

ادعای مشاهده می‌کند تا خود را از اهل تقوا و سیر و سلوک جلوه دهد. انحراف این شیوه، به شدت شیوه قبل نیست و از آن جایی که امری ریایی و کذب است، از معاصی محسوب شده و موجب فسق است.

پس بحث اصلی، در حجیت یا عدم حجیت ملاقات‌های صادقانه است که گاهی به عنوان ملاقات و گاه به عنوان خواب دیدن و... مطرح می‌شود.

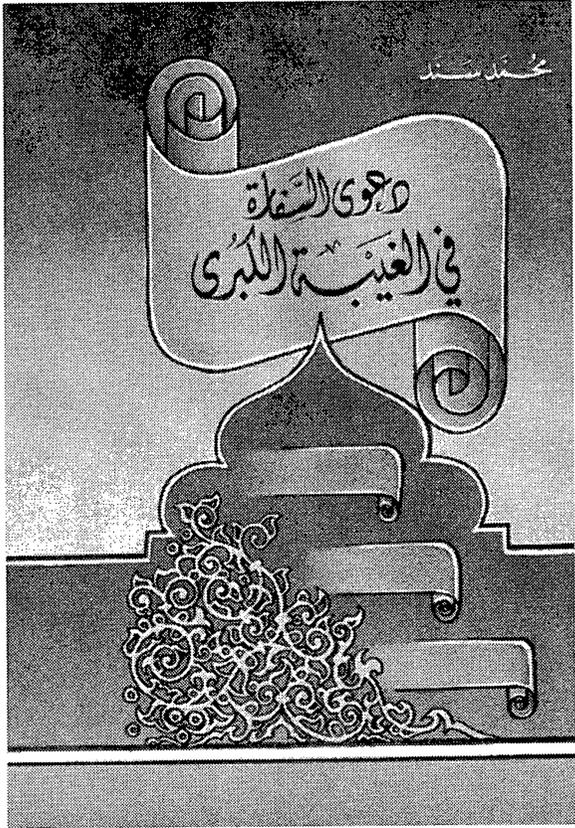
در واقع این بحث، به حجیت کتاب و سنت برمی‌گردد؛ یعنی این که علما، بعضی از پیغام‌ها را در ملاقات‌ها، تلقی به قبول می‌کنند. این، بدان عنوان نیست که خود ملاقات حجیت دارد؛ بلکه به عنوان اشاره کننده به یک مصداق عامی تلقی می‌کنند که در کتاب و سنت وجود دارد؛ مثلاً وقتی پیغام می‌رسد که لازم است، در فلان شهر مسجدی بنا شود، یا فلان شیوه شعائر حسینی و دینی اجرا شود، حجیت اینها با «من يعظم شعائر الله» یا «من بنى مسجداً فله كذا و كذا» ثابت می‌شود.

یا حتی وقتی پیغام می‌رسد که فلان «صفت رذیله» در شما هست و باید اصلاح شود، این پیغام به عنوان یک اشاره کننده تلقی می‌شود؛ چه پیغام درست باشد یا نباشد. پس خواب و امثال آن، به خودی خود هیچ حجیتی ندارد؛ اما می‌تواند طبق مقررات و موازین مطرح در فقه و اعتقادات دینی به عنوان یک اشاره گر و آگاه کننده مطرح باشد (مثل یک نصیحت که مؤمنی به برادر مؤمنش می‌گوید) و آن هم در صورتی است که خواب و امثال آن، صادق باشد.

جالب است که عارفان شیعه و سنی (مثل قیصری در مقدمات شرح فصوص) می‌گویند: مکاشفات بلند عرفا - چه شیطانی و چه عرفانی - برای خود مکاشفه گر هم حجیتی ندارد، مگر این که به کشف محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (کتاب و سنت) برگردد.

در مورد ملاقات با امام زمان (عج)، چنانچه فرد ملاقات کننده، با برهان عیانی متوجه شود که خدمت حضرت مشرف شده است، برای خودش حجیت دارد. صاحب کفایه، شیخ انصاری و... برای «من حصل له التشرّف»، حجیت قائل شده‌اند و این حجیت هم بیرون از عمومات و مخصصات نیست.





◀ **انتظار: اگر فرض کنیم، در جریان یک تشرّف، حضرت به فقیهی**

**بفرمایند: «آن فتوایی که داشته‌ای، اشتباه است و باید عوض شود»، آیا**

**این حکم درباره خود فقیه یا مقلدان او، اعتبار دارد؟**

● می‌توان سؤال شما را به طور ریشه‌ای‌تر، مطرح کرد که: اگر کسی طبق موازین عقلی و

نقلی، بفهمد که خدمت حضرت مشرّف شده، آیا امکان دارد که حضرت در آن تشرّف،

مخصصی برای عمومات کتاب و سنت مطرح بفرمایند که قبلاً به دست علمای شیعه

نرسیده است؟ یا این که ناسخی را مطرح کنند و یا تأویلاتی را بیان بفرمایند؟

بر حسب ظاهر تاکنون واقع نشده که حضرت، حاکم، وارد یا ناسخی را مطرح کنند؛

زیرا در روایات مستفیضه - و شاید متواتر - آن هم در دوران غیبت صغری، و از خود

حضرت رسیده که تنها قرآن و روایات رسیده از پدران من در حق شما حجت است؛ مثلاً

می‌فرماید: «قد رویتم انتم عن الصادق علیه السلام هذه الروایة و رویتم عن الکاظم علیه السلام هذه الروایة،

فبایّهما عملت، انت مخیر». شما این روایت را از امام صادق علیه السلام دارید (و در مقابل) روایتی

از امام کاظم علیه السلام هم آورده‌اید، پس مخیر هستید که به هر کدام از آنها عمل کنید. در جای دیگر فرموده‌اند: «شما در این موردی که سؤال کردید، از امام صادق علیه السلام روایت دارید، به همان عمل کنید». و این مطلب، به طور مکرر در توقعیات مستند از حضرت رسیده است.

ما تا به حال به توقیعی برخورد نکرده‌ایم که حضرت ولی عصر، غیر از مخصّص‌های ائمه قبل، تخصیصی اعمال یا بیان فرموده باشد. همان مقداری از احکام و معارف که از سوی امامان پیشین بیان شده، تأمین‌کننده وظایف است، تا وقتی که اذن ظهور حقایق، به دست خود ایشان داده شود.

از این رو همه علماء قائل‌اند که دسته‌ای از احکام، نزد حضرت هست و مقدر شده که به دست ائمه دیگر، عمل نشود، تا این که زمان ظهور برسد. در روایات آمده است: «یأتی بأمر جدید، بحکم جدید»؛ یعنی، تغییر در احکام، جلوه‌ها و بطون عمیق آنها، در زمان ظهور نمایان می‌شود.

پس با این دلیل می‌گوییم، حتی در هنگام «تشرّف صادق» هم امکان تخصیص، حکومت، ورود و نسخ احکام وجود ندارد. البته ممکن است حضرت، فرد مشرّف شده را به نحوه برداشت صحیح از ادله راهنمایی کنند؛ چون طبق موازین می‌توان از «ظهور» به «بطون» رسید.

◀ انتظار: در این جا دو بحث مطرح است:

اولاً چنانچه فرد تشرّف یافته، با ادله عقلی و نقلی، مطمئن شود که خدمت حضرت رسیده و از ایشان توصیه‌ای دریافت کرده است، چگونه می‌گوییم: او باید به موازین رجوع کند؛ در حالی که این فرد، به خدمت حضرت رسیده و خود ایشان میزان هستند.

ثانیاً چنانچه ما در مقام فرد ثالث، مطمئن شدیم که شخصی (مثل مرحوم

آیت الله مرعشی نقوی) خدمت امام زمان (عج) رسیده و ایشان، مطلبی را

به او تعلیم داده‌اند؛ آیا اطاعت از این حرف برای ما واجب است یا خیر؟

• برای غیر افراد تشرّف یافته، اگر چه یقین به اصل ملاقات وجود داشته باشد، پیغام هیچ



حجیتی ندارد؛ چون از جهت ارتباط افراد با امام زمان (عج)، هیچ دلیلی بر حجیت نیست و باید به موازین کتاب و سنت برگردیم.

حتی آن حضرت نسبت به خود فرد تشرّف یافته، دلیل تازه‌ای القانمی فرماید. البته ممکن است از روی ولایت، مثلاً بفرماید: فلان پول خمس را در مورد خاص مصرف کنید و یا این که به شخصی بفرماید در فلان محل، قضاوت را بپذیر یا نپذیر و یا متصدی فتوا بشو یا نشو.

امامت فعلی، مربوط به حضرت است. اگر ایشان مطلبی را از روی اعمال ولایت بفرماید، باید پذیرفت (البته نه از طریق کانال و...); یعنی، کسی که خودش مشرّف شده، باید یقین حاصل کند که حضرت، اعمال ولایت فرموده است.

◁ انتظار: شما فرمودید، آنچه در ملاقات برای ما معتبر است، «برهان

عیانی» است نه عوامانه؛ این برهان را توضیح بفرمایید.

• البته علاوه بر «برهان عیانی»، دلیل نقلی قطعی هم معتبر است.

برهان عیانی، غیر از برهان اصطلاحی است. این برهان مورد تصدیق فیلسوفان پیشین (مثل ارسطو، سقراط و فارابی) هم بوده است؛ ولی بوعلی از این برهان ذکری نکرده است؛ چون او در شش محور، در حکمت عملی دگرگونی ایجاد کرد.

«برهان عیانی»، یک برهان در دامنه عقل عملی، در جزئیات است؛ یعنی، عقل عملی می‌تواند در دامنه جزئیات، برهان اقامه کند.

انسان، گاهی حقیقت را شهود کرده و به عیان می‌بیند که از برهان حصولی بالاتر است. دامنه عقل عملی، وسیع‌تر از دایره کوچکی است که بوعلی، ترسیم کرده و فیلسوفان بعد او نیز به همان جهت رفته‌اند.

◁ انتظار: لطفاً در قالب مثال، توضیح دهید که چگونه فردی با این

برهان می‌فهمد، خدمت امام زمان علیه السلام رسیده است؟

● مثلاً شخصی از علوم غریبه و جدید، اطلاع دارد و فرق معجزه و کرامت در اولیا را هم می‌داند، چنانچه در ملاقات، فعل یا حالتی را از طرف مقابل می‌بیند که هیچ‌گاه در دیگران ندیده است، (مثل این که یکی از علامات خاص معصومین مانند سایه نداشتن را مشاهده کند)، این مطلب برای او یک برهان محسوب می‌شود.

اما نمونه «برهان عیانی»، را می‌توان در پرسشی که زراره از امام باقر علیه السلام پرسیده است، مشاهده کرد (و از این سؤال، کمال دقت زراره هم فهمیده می‌شود): پیامبر صلی الله علیه و آله از کجا می‌فهمید، شخصی که بر ایشان نازل می‌شد، جبرئیل است و از طرف خداوند متعال آمده است؟

از جواب حضرت، عصمت امام باقر علیه السلام هم معلوم می‌شود که فرمود: «عَرَفَ ذَلِكُ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ».

این دو واژه سکینه و وقار، برهان عیانی است. هرچه انسان مقام بالاتری داشته باشد (در معنویات)، مرحله بالاتری از سکینه و وقار را دارا خواهد بود.

◁ انتظار: آیا تقاضای ملاقات و تمنای رسیدن به خدمت آن حضرت، در ادله ما مطلوبیت دارد یا خیر؟

● از دعای «ندبه» و توقیع حضرت به شیخ مفید و روایات دیگر، استفاده می‌شود که انسان، باید در مقام ابراز تولا و دوستی، دل فریفته دیدن و ملاقات با حضرت باشد؛ چون دعاها، نشان‌گر این است که غیبت ولی، باید مورد شکایت واقع شود: «اللَّهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا؛ خدایا! ما به خاطر از دست دادن پیامبرمان و غیبت اماممان به تو شکایت می‌کنیم».

وقتی نظر کردن، به اهل بیت علیهم السلام عبادت باشد (النظر إليهم عبادة)، قطعاً دیدن «وجه الله»، مطلوبیت دارد. انسان در مسیر عبادت و صراط مستقیم، باید توجه به «وجه الله» داشته باشد. پس چگونه، دیدن حضرت، مطلوب نباشد؟!

البته باید مواظب بود که شوق دیدار و ملاقات، انسان را به انحراف نکشاند؛ زیرا نفس انسان، دشمن‌ترین دشمنان است.



گرفتن فیوضات از محضر حضرت، دیدن حسی لازم ندارد. مهم این است که انسان قلباً مرتبط باشد. مرحوم میلانی (ره) در درس خودشان می فرمود: یک انسان شیعه - که معتقد به امامت امام زمان (عج) است - باید لااقل روزی، ده دقیقه، زیارتی، دعایی یا توسلی با حضرت داشته باشد که این مطلب، نشانه ارتباط قلبی است.

البته دیدن حسی، شرف است؛ اما مهم تر این است که انسان از نظر قلب و روح مرتبط باشد.

مطلبی که حجاب بین ما و حضرت است، نواقص و گناهان خودمان است. اگر صفت رذیله‌ای هم در بین نباشد، نواقص عقلی و پنداری داریم که مانع ارتباط است.



## عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها و رهیافتها)

● مسعود پورسیدآقایی

مهدی (عج)، ادامه حسین علیه السلام است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن. مهدی (عج)، فرزند حسین علیه السلام است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند. یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛ یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛ یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛ «مهدی» علیه السلام وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین» علیه السلام وارث پیامبران است؛ عاشورا، دریچه‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛ فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است.

پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و مهدی»، پیوند «والد» و «ماولد» و «نور علی نور»

است.



انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است و چهره باطل، برای همیشه دفن می شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع، فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساخت و فطرت انسان ها همگون است - لیک می گویند.

انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا انتظار بی معنا است. یاران مهدی، همه کربلایی اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و آبدیده اند. مگر می توان بی عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی پشتوانه است.

«عاشورا» انتظار برآورده نشده شیعه است و «انتظار» عاشورای برآورده شده شیعه.

حرکتی جهانی و به وسعت آمال همه انسان های تاریخ، پشتوانه و عقبه ای می خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید.<sup>۱</sup>

«انتظار» ادامه عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین<sup>۲</sup> و ثمره خون او که در شریان تاریخ به جوش آمده است.

«انتظار» بشارتی است به حق، بر همه دردها و آلام شیعه در کربلا و تاریخ.

مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین علیه السلام در مسیر کوفه، در کربلا به زمین گذاشت؛ به کوفه می رساند.

مهدی علیه السلام پرچم افتاده حسین علیه السلام را بر خواهد افراشت و آرمان های بلند او را تحقق خواهد بخشید.

مهدی علیه السلام، بذری را که حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد.

«انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر»

می خشکید.

این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آن جا که می گویند:



شیعه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز»؛ عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند و با دیگری آن را «استمرار» می‌بخشد.<sup>۳</sup>

برای ما دور ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین علیه السلام بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهده‌ی که با خدا و رسول بر پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته‌اند، به انجام برسانند: ﴿فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر﴾<sup>۴</sup>.

### یکم. پیوندها

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلایل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضمن بیان آنها، به تحلیل و رهیافت‌های برخاسته از آنها نیز خواهیم پرداخت.<sup>۵</sup>

#### ۱. مهدی علیه السلام، فرزند حسین علیه السلام

صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آنها تأکید شده، امام مهدی علیه السلام نهمین فرزند حضرت حسین علیه السلام است: «قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی».<sup>۶</sup>

#### ۲. مهدی علیه السلام، خونخواه حسین علیه السلام

در روایات متعددی، وارد شده است: «القائم منّا اذا قام طلب بئار الحسین»؛<sup>۷</sup> «بهذا القائم انتقم منهم»؛<sup>۸</sup> امام باقر (ع) در مورد آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل»<sup>۹</sup> می‌فرماید: مقصود از «من قتل مظلوماً»، حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین (ع) بر می‌آید... مقتول حسین (ع) و ولی او قائم (عج) است.<sup>۱۰</sup>



### ۳. یاد حسین علیه السلام، کلام نخستین مهدی علیه السلام

آن گاه که مهدی موعود ظهور کند، بین رکن و مقام می ایستد و چنین ندا می دهد:

«الا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛

الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین طرحوه عریاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین سحقوه عدواناً».<sup>۱۱</sup>

### ۴. «یا لثارات الحسین»، شعار یاران مهدی علیه السلام

فضل بن شاذان نقل می کند که شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان

حسین) است:

«انّ شعار اصحاب المهدي (عج) یا لثارات الحسین علیه السلام».<sup>۱۲</sup>

### ۵. یاری حسین علیه السلام، یاری مهدی علیه السلام

حضرت سکینه (س) نقل می کند: امام حسین علیه السلام شبی در کربلا، خطاب به یاران خود

فرمود: «... و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله: ولدی حسین یقتل بطف کربلا غریباً وحیداً

عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحجة و لو نصرنا بلسانه فهو فی حزبنا

یوم القيامة؛ همانا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند من حسین در زمین کربلا، غریب و

تنها، عطشان و بی کس، کشته می شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را

یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد

بود».<sup>۱۳</sup>

### ۶. یکسانی القاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتور» و «الطريد الشريد»، القاب مشترک حسین علیه السلام و

مهدی (عج) است: «ولکن صاحب هذا الامر الطريد الشريد الموتور بابیه...».<sup>۱۴</sup>



«السلام عليك يا باب الله و السلام عليك يا ثار الله».<sup>۱۵</sup>

«المترب الخائف و الولي الناصح ، سفينة النجاة... و الوتر الموتور».<sup>۱۶</sup>

### ۷. زیارت عاشورا

زیارت عاشورا - که زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام است - در دو قسمت، از خون خواهی حسین علیه السلام در رکاب امام مهدی (عج) خبر می دهد:

«ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و «ان یرزقنی طلب ثاری [کم] مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم».

### ۸. روز عاشورا و یاد مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: یکدیگر را در روز عاشورا این گونه تعزیت دهید:

«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين و جعلنا و اياکم من الطالبین بشاره مع وليه الامام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را، از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش، امام مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم».<sup>۱۷</sup>

### ۹. عاشورا روز ظهور مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: «کائی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی....<sup>۱۸</sup>؛ گویا قائم را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند...»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلة ثلاث و عشرين و یقوم یوم عاشوراء یوم قتل فيه الحسين بن علی<sup>۱۹</sup>؛ قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

## ۱۰. میلاد حسین علیه السلام و یاد مهدی علیه السلام

در توفیق مبارک امام عسکری علیه السلام برای قاسم بن علاء همدانی آمده است که: در روز تولد امام حسین علیه السلام، این دعا را بخوان: «اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها... المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبتهم؛ خداوند! من تو را به مقام مولود این روز می خوانم. او پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می باشد».<sup>۲۰</sup>

## ۱۱. میلاد مهدی علیه السلام و یاد حسین علیه السلام

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می نویسد:

با فضیلت ترین اعمال شب نیمه شعبان - که باعث آمرزش گناهان است - زیارت امام حسین علیه السلام می باشد. هر که می خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین علیه السلام را زیارت کند. اقل زیارت آن حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند؛ سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته» در قسمت «زیارات» نیز می نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده که: هر که بخواید با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر



اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و محمد ﷺ) نیز با ایشان اند. ۲۱

### ۱۲. شب قدر و یاد حسین علیهما السلام

شب قدر، متعلق به امام زمان علیهما السلام است و در این شب یکی از اعمال مستحبی، زیارت امام حسین علیهما السلام است. شیخ عباس قمی می نویسد:

«بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیهما السلام در ماه مبارک رمضان - خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسیار است. از حضرت امام محمد تقی علیهما السلام منقول است که هر که زیارت کند، امام حسین علیهما السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان - و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود - مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.

از حضرت صادق علیهما السلام مروی است: چون شب قدر می شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیهما السلام آمده، آمرزید. و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگذارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. ابن قولویه از حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیهما السلام را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو.»

### ۱۳. حسین علیهما السلام در کلام مهدی علیهما السلام

در دعای ندبه آمده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» و «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین».

و در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه آمده است: «فلئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقذور و لم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلأندبک



صباحاً و مساءً و لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمِوعِ دَمًا؛ اگر زمانه مرا به تاخیر انداخت و مقدمات از یاریت باز داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می بارم و به جای اشک خون می گیرم...»<sup>۲۲</sup>

#### ۱۴. زیارت حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام در عیدها

در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر؛ زیارت این دو امام، وارد شده است.<sup>۲۳</sup>

#### ۱۵. کوفه، پایگاه مشترک حسین علیه السلام، مهدی علیه السلام

امام حسین علیه السلام از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی علیه السلام از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقرر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد؛ یعنی، راه نیمه سیدالشهدا علیه السلام را به پایان خواهد رساند.<sup>۲۴</sup>

#### ۱۶. فرشتگان یاور حسین علیه السلام، یاوران مهدی علیه السلام

شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل می کند:

«و لقد نزل الى الارض من الملائكة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غُبرٌ الى ان يقوم القائم فيكونون من انصاره و شعارهم يا لثارات الحسين؛<sup>۲۵</sup> به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام [به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام] کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسين است.»

#### ۱۷. رجعت حسین علیه السلام در دولت مهدی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: امام حسین علیه السلام شب عاشورا به اصحابش فرمود: «... فابشروا بالجنة، فوالله انما نمکت ماشاء الله تعالى بعد ما یجری علينا، ثم یخرجنا الله و ایاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدکم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...؛ بشارت باد شمارا به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود،



مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...»<sup>۲۶</sup>

و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن گفته، می‌فرماید: «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم».<sup>۲۷</sup>

### ۱۸. حسین علیه السلام در سوگ مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿ثم رددنا لكم الكرة عليهم﴾<sup>۲۸</sup> می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهایی طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حسین علیه السلام با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان که همراه موسی علیه السلام هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‌گاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد».<sup>۲۹</sup>

### ۱۹. مهدی علیه السلام و زنده نگه داشتن یاد عاشورا

در این باب، داستان‌های متعددی است که از میان آنها، داستان علامه بحر العلوم<sup>۳۰</sup>، گواه خوبی بر عشق و علاقه وافر حضرت حجت علیه السلام به عزاداری و زنده نگه داشتن یاد عاشورا و شهدای کربلا است.

### ۲۰. مهدی علیه السلام و سفارش به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می‌کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟



عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه!<sup>۳۱</sup>

### ۲۱. مهدی علیه السلام در سوگ حسین علیه السلام

علامه امینی (ره) در الغدير<sup>۳۲</sup> می گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیة الله - روحی له الفداه - به آن مجلس می شود. ما برای تیمن و تبرک چند بیت این قصیده را ذکر می کنیم.

ایقتل ظمآنآ حسین بکربلا	و فی کلّ عضو من انامله بحر
و والده الساقی علی الخوض فی غد	و فاطمة ماء الفرات لها مهر
فوالهف نفسی للحسین و ما جنی	علیه غداة الطف فی حربہ الشمر

### ۲۲. مصیبت حسین علیه السلام و تعجیل در فرج

صاحب مکیال المکارم می گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولایمان حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدار کرده بود و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است: «انی لادعوا لمؤمن یذکر مصیبة جدی الشهید، ثم یدعو لی بتعجیل الفرج و التأیید؛ همانا من برای هر شیعه ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید [امر من] دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد».<sup>۳۳</sup>

### ۲۳. سختی مصیبت

مصیبت حسین علیه السلام سخت ترین مصیبت ها است:

«...فرزند تو به مصیبتی گرفتار می شود که مصیبت ها در کنار آن کوچک خواهد بود».<sup>۳۴</sup>

«لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»<sup>۳۵</sup>.

مهدی (ع) نیز مصیبتش طولانی و محنتش شدید است. او شاهد همه رنج ها و

مصیبت هایی است که بر تمامی انسان ها و فرد فرد شیعیانش وارد می شود:



«انا غير مهملين لمراعاتكم و لا ناسين لذكركم...»<sup>۳۶</sup> ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.»

## ۲۴. اصلاح‌گری

امام حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام دو اصلاح‌گر سترگ‌اند. حسین علیه السلام می‌گوید: «انما خرجت لطلب الاصلاح.»

در مورد مهدی نیز آمده است: «ليصلح الامة بعد فسادها»<sup>۳۷</sup>؛ خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام این امت را پس از آن‌که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند.»

## ۲۵. بیعت نکردن با طاغوت

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لا والله لا اعطيكم اعطاء الذليل و لا افترّ فرار العبيد؛ نه به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم.» مهدی علیه السلام نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد.

«ما منّا احدٌ الاّ و يقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه الاّ القائم... لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج ذاك التاسع من ولد اخي الحسين»<sup>۳۸</sup> هر کدام از ما (اهل بیت علیهم السلام) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند بر گردنش بیعت حاکمی نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است.»

## ۲۶. آرزوی شهادت در رکاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام

دو آرزو در روایات ما مطلوب است؛ یکی بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین و دیگری فیض جهاد و شهادت در رکاب امام مهدی علیه السلام:

«يا ليتني كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً»<sup>۳۹</sup>.

«اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي هذا... و اجعلني من انصاره... و المستشهدين بين يديه... فاخرجني من قبری مؤثراً كفني شاهراً سيفي...»<sup>۴۰</sup>.



## دوم. تحلیل ها

### ۱. عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ «عاشورا»، زمینه ساز فرهنگ «انتظار» است. «انتظار» ادامه عاشورا است و چشم به راه حسین دیگری نشستن در کربلایی به وسعت جهان. فرهنگ «عاشورا» آن چنان در روح انسان ها، رسوخ کرده و آتش عشقش، شراره ای در دل ها انداخته که بدون تردید، مؤثرترین و پایدارترین عنصر فرهنگ ساز، برای شیعیان و تمامی انسان های آزاده عالم است. به گفته امام راحل (ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم».

### ۲. اشتراک در اهداف

هدف مهدی علیه السلام، نجات انسان ها از بردگی فکری و برداشتن زنجیرهای اسارت از آنان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می رود».<sup>۴۱</sup>

هدف امام حسین علیه السلام نیز در زیارت «اربعین» چنین بیان شده است: «و بذل مهجة فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضالة؛ خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسان ها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد». پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش ها است.

### ۳. مشابهت در زمانه

حسین علیه السلام زمانه خود را چنین توصیف می کند: «الا ترون انّ الحق لا يعمل به و انّ الهوى لا يترك عنه؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل خودداری نمی گردد»،<sup>۴۲</sup> «فان السنة قد اميتت و انّ البدعة قد احييت؛ همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر، از بین رفته و بدعت ها زنده شده است». «و على الاسلام السلام اذا قد بليت الامة براعٍ مثل يزيد؛ اگر حاکم



امت، فردی همچون یزید باشد، پس باید فاتحهٔ اسلام را خواند».

زمانهٔ مهدی علیه السلام نیز چنین است: «يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على الرأى... و يحيى ميّت الكتاب والسنة؛ چون مهدی قیام کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی، بازگرداند؛ پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند. آرا و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آنکه قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند... پس مهدی به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت».<sup>۴۳</sup>

زمانهٔ مهدی علیه السلام و حسین علیه السلام، در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی‌دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه یکدیگر است.

مشابهت در زمانه، ابعاد متعددی دارد؛ از تبلیغات جبههٔ باطل گرفته تا حاکمیت خلفای جور و غربت دین در عرصهٔ زندگی و جامعه. تبلیغات بنی‌امیه و معاویه علیه اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام<sup>۴۴</sup>، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست‌ها، علیه ایران اسلامی دارد.

#### ۴. مشابهت در یاران

یاران حسین علیه السلام بهترین یاران و فدایی او بودند. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم نسبت به امام خود و سبقت در اجرای خواسته‌ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شجاعت یگانه دوران بودند.

یاران مهدی علیه السلام نیز چنین اند: «هم اطوع له من الامة لسيدها؛ آنها مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند».<sup>۴۵</sup>

«كذادون جاحدون فى طاعته؛<sup>۴۶</sup> یاران مهدی (عج) در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار کوشا و مصمم‌اند».

«لهم يسبهم الاولون و لايدرکهم الآخرون؛<sup>۴۷</sup> آنان [در شایستگی‌ها و امتیازات بر اوج رفیعی‌اند] نه از نسل‌های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام

